

یادداشت روز

پایان ممنوعیت کنسرت‌ها به تدبیر متولیان امیدوار



محمد سالاری

● خبری که این روزها فراوان به گوش می‌رسد و به نوعی به یک خبر عادی در سرلیست اخبار روز تبدیل شده؛ این است که این کنسرت نیز لغو شد. گوش‌های شنوندگان به این دست اخبار عادت کرده؛ به نوعی‌که دیگر شاید حساسیت خود را در عرصه اجتماعی و در بین مردم از دست داده است و عکس‌العمل جامعه در این موضوع، به سمتی رفته که چرا باید ناراحت شویم و عکس‌العمل نشان دهیم؟ زمانی‌که یک جامعه واکنش صریحی درباره یک موضوع اثرگذار از خود نشان ندهد، باید به تحلیل و بررسی آن پرداخت و ایراد کار را پیدا کرد؛ زیرا تجربه نشان داده است، درست در همین زمان ناهنجاری‌های اجتماعی سر باز کرده و در فرهنگ جامعه رسوخ خواهد کرد و آن را دستخوش تغییر و تحولات اساسی خواهد کرد. این‌شاید همان مورد کلیدی است که رئیس‌جمهور متوجه آن شده و با این صریح اینکه «در این کشور قانون حکم‌فرما است و باید براساس آن عمل نمود»، وزیر ارشاد را به خاطر سربیزی از قانون مؤاخذه کرده است و صریحا اعلام کرد: «از نظر من هیچ وزیری نباید در برابر هیچ فشاری کوتاه بیاید و عقب‌نشینی کند، بی‌قانونی به نام دین بدتر است».

نقطه دومی که در رئیس‌جمهور بر آن انگشت گذاشته و می‌خواهد ادامه بی‌قانونی‌ای را که از شهرهای مختلف کشور سر برداشته و از تریبون‌های رسمی اعلام می‌شود، با این سخن که «هرکسی که صبح بیدار می‌شود و یک تریبون پیدا می‌کند، نمی‌تواند قانون‌گذاری کند و وزیر نباید تبعیت کند» را به‌عنوان مجری قانون به پایان برساند.

باید گفت در دهه چهارم انقلاب، ما به چنان ثبات و نظمی رسیده‌ایم که دیگر از مرحله آزمون و خطا عبورکرده و دنبال تحقق برنامه‌های سند چشم‌انداز ۱۰ساله کشور هستیم.

به‌دنبال نظم و ثبات و امنیتی که در کشور حاکم است، یکی از چالش‌های اساسی که دغدغه عموم مردم و مسئولان نظام شده است، موضوع آسیب‌های اجتماعی و اثرات روحی و روانی آن است، از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی که می‌بایست به آن توجه شود، حوزه فرهنگ و هنر و موسیقی است و از آنجایی‌که موسیقی در تاریخ نقش پررنگی در زندگی مردم ایران داشته، به نحوی که حتی بسیاری از اتفاقات و مبارزات تاریخی مردم در نبردها و جنگ‌های مهم و اسطوره‌ای ما نیز در قالب موسیقی‌های آیینی متبلور بوده است، اهمیت دادن به این حضور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مسئلا باید این را دانست که در سایه نظام جمهوری اسلامی ایران، ابتذال فرهنگی مجال رشد و بالندگی پیدا نخواهد کرد و مردم فهیم ما نیز از جوان تا پیر، به چنان یختگی و آگاهی از دنیای اطراف و فرهنگ رسیده‌اند که سعی در حفظ شأن و منزلت تاریخ و فرهنگ و مذهب خود داشته باشند.

حال اگر قرار باشد یک جامعه را از لذت معنوی فرهنگ خود به‌ویژه در موسیقی محروم کنیم؛ آنها چه جایگزینی برای آن پیدا خواهند کرد و در چه مسیری گام خواهند گذاشت؟

آیا این‌طور نیست که فرهنگ یک وارداتی، جاذبه‌های دروغین خود را برای آنها به نمایش می‌گارد و نسل‌های جوان و تازه‌کشور که باید خوراک فرهنگی را از داخل مرزهای خود انبیاع کنند، نظیر به آن سوی مرزها کرده و فرهنگ غربی را جایگزین می‌کنند؟ متولیان فرهنگی و انتظامی کشور باید پاسخگو باشند که در صورت بروز چنین روندی به صورت گسترده، چه پاسخی برای آینده جامعه ایران اسلامی خواهند داشت؟ آیا می‌شود در دنیای فعلی با پاک‌کردن صورت‌مسئله، جواب آن را هم پاک کرد و احساس کرد موضوع حل شده است؟ آیا وزارت ارشاد که متولی فرهنگ‌سازی و حفظ میراث فرهنگی ما است، با چند بیانیه می‌تواند بار این مسئولیت را از دوش بردارد، به نوعی که افرادی بخواهند خود در این مقوله قانون‌گذاری کنند و برخی نیز با لغو مجوزها، می‌توانند بگویند که موضوع را حل کرده‌اند؟ و جواب جوانان و شهروندانی که می‌خواهند موسیقی وطنی خود را در شهر خود و با خوانندگان مورد قبول خود بشنوند چه خواهد بود؟ باید گفت که این لغوها نیز بگذرد و البته که در عرصه جهانی آنچه به‌جا می‌ماند و مانده و مرزها و دل‌ها را تسخیر خود کرده، فرهنگ و تمدن برساخته‌شده از این فرهنگ‌ها بوده است، پس تا فریفت است دوستان تدبیری اندیشه کنند و البته جای امیدواری است که رئیس‌جمهور منتخب ملت این‌چنین محکم و استوار، موضع خود را بیان کرد که امیدواریم متولیان امر آن را سرلوحه کار خود قرار دهند.

عضو شورای هماهنگی جبهه اصلاحات

شرق: «تسویه‌حساب سیاسی با احساس تکلیف دینی؟» از زمان اعلام مخالفت ائمه جمعه مشهد و شش استان دیگر با برپایی «کنسرت»، این سؤال و سؤالات مشابه آن، ذهن بسیاری از اهالی موسیقی را به خود مشغول کرده، بسیاری بر این باورند که مخالفت با موسیقی و کنسرت در مشهد، نکته تازه‌ای نیست، عجیب، طرح

دوباره این ممنوعیت در شرایط حاضر است. آتش ممانعت‌ها و مخالفت‌ها با کنسرت در مشهد و یزد، دامن تهران را هم گرفته؛ تا آنجا که روز گذشته، دادستان تهران سه شرط برای برگزاری کنسرت‌ها اعلام کرد؛ شروطی که خواه‌ناخواه با واکنش اهل موسیقی همراه شده است.

شروط دادستان چیست؟

روز گذشته دومین نشست دادستانی تهران در حوزه آسیب‌های اجتماعی در حالی برپا شد که اظهارات عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران درباره برگزاری کنسرت‌ها و مشکلات ناشی از آن واکنش اهالی موسیقی را در پی داشت. جعفری‌دولت‌آبادی با یادآوری این نکته که کنسرت‌ها از قدیم‌الایام برگزار می‌شده و موضوع جدیدی نیست، سه پیشنهاد مطرح کرد که به گفته او «مانع از ایجاد تنش در برگزاری کنسرت‌ها و لغو آنها» می‌شود: «دادستانی تهران پیشنهاد می‌کند برگزاری کنسرت‌ها در تهران منوط به تضمین و تأمین امنیت مراسم از سوی استاندار یا فرماندار تهران و تضمین سلامت محتوای برنامه ارائه‌شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شود».

او «ضبط رسمی مراسم از سوی پلیس» را به عنوان پیشنهاد سوم مطرح کرد و ادامه داد: «این اقدام می‌تواند در جلوگیری از مشکلات کنسرت‌ها پیشگیرانه باشد». دولت‌آبادی توجه به این سه پیشنهاد را مانع از ایجاد تنش در برگزاری کنسرت‌ها و لغو آنها دانست و ادامه داد: عملیاتی‌کردن این سه پیشنهاد باعث می‌شود که مسئولان در برگزاری کنسرت‌ها احساس مسئولیت کرده، تنش‌های فعلی از بین برود و مسئولان به وظایف خود عمل کنند.

او افزود: در صورت اجرای این پیشنهادها دادستانی تهران در صورت اجرای کنسرت با محتوای خلاف موازین اسلامی از وزیر ارشاد و

شرق: مدت‌هاست سازها، راهی به مشهد

ندارند و این شهر، رنگ کنسرت‌های موسیقی را به خود ندیده، نه‌تنها در مشهد که در دیگر شهرهای خراسان از جمله نیشابور، خبر لغو کنسرت، دیگر پدیده عجیبی نیست، به بیان دقیق‌تر، از ۱۲ سال پیش، همه‌جا با درگذشت آیت‌الله عبادی، امام‌جمعه سابق مشهد و روی‌کارآمدن دولت «مهرورزی»، موسیقی با مشهد بیگانه شد و ممانعت از اجرای صحنه‌ای، همان زمان کلید خورد. با درگذشت آیت‌الله عبادی، حجت‌الاسلام «علم‌الهدی» امامت‌جمعه این شهر را برعهده گرفت. او از مخالفان سرسخت اجرای صحنه‌ای در مشهد بوده و هست.

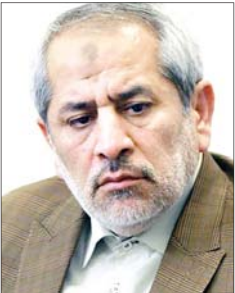
سیاسی‌شدن یک کشمکش ۱۲ساله

«هم‌زمان با روی‌کارآمدن دولت حسن روحانی، مخالفت‌ها با برپایی کنسرت، شکل سیاسی به خود گرفت تا آنجا که حجت‌الاسلام «علم‌الهدی»، امام‌جمعه مشهد، اعلام کرد موضوع کنسرت‌ها را از «شورای فرهنگ عمومی استان خراسان‌رضوی» مطرح می‌کند». اینها را «سالار مرتضوی» به «شرق» می‌گوید؛ نوازنده دف و سرپرست گروه موسیقی ایرانی «بامداد» مشهد که عضو انجمن صنفی هنرمندان موسیقی خراسان‌رضوی هم است.

این نوازنده و موسیقی‌دان، در سال‌های گذشته به نمایندگی از هنرمندان موسیقی مشهد با اغلب اعضای شورای فرهنگ عمومی استان صحبت و خطرات حذف موسیقی را چنین گوشزد کرده است:



عبدالحسن مختاباد



محمود جعفری‌دولت‌آبادی

در فرض خدشه به امنیت عمومی از استاندارد و فرماندار تهران توضیح خواهد خواست و عندالزوم به‌جای برگزارکننده یا سایر افراد مرتبط، از مسئولان اصلی به شرح فوق پرسش خواهد شد.

مختاباد: کنسرت‌ها را ربط می‌دهند به مسائل سیاسی

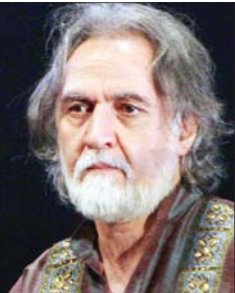
امسا عبدالحسین مختاباد، خواننده و عضو کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران در واکنش به این شروط، خصوصا شرط سوم که ناظر به ضبط رسمی کنسرت توسط پلیس است به «شرق» می‌گوید: هیچ مورد خاصی ندارد؛ کسی که حسایش پاک است از محاسبه چه باک است، چه اشکالی دارد که پلیس هم بیاید و کنسرت‌ها را ضبط کند و آقای دولت‌آبادی، دادستان تهران هم تمام کنسرت‌ها را ببیند و بشنود، ما که مشکلی نداریم. وی می‌افزاید: اولاً اینکه نمی‌دانم این چه مطلبی است که این روزها دارند کنسرت‌ها را ربط می‌دهند به مسائل سیاسی؛ درحالی‌که کنسرت موسیقی چندان حساسیتی همانند یک بازی فوتبال ندارد که در آن پس از پایان بازی طرفداران دو تیم بیرون می‌ریزند و صد یا ۲۰۰ اتوبوس را به آتش می‌کشند و اگر واقعا می‌خواهند کاری بکنند درباره فوتبال بکنند؛ ازطرف‌دیگر مگر این هیاهو و خراب‌کاری هواداران فوتبال را باید فوتبالیست‌ها پاسخ‌گو باشند؛ بنابراین اگر هیاهویی هم در حاشیه کنسرت باشد مگر باید اهل موسیقی پاسخ‌گو باشند. درحالی‌که هواداران موسیقی چندان اهل شلوغی نیستند و اگر هم جوان باشند می‌آیند و دو ساعت تخلیه انرژی می‌کنند و با ملایمت به خانه‌هایشان برمی‌گردند.

مختاباد بر این باور است که موسیقی‌دان‌ها نباید پاسخ‌گوی اتفاقات پس از کنسرت باشند: «این نکته باید از سوی مسئولان امنیتی پیگیری شود و نباید

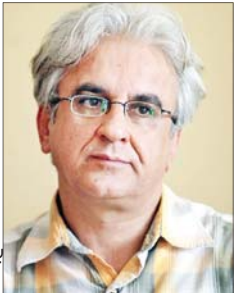
هنر

۳ شرط «دادستان» برای برگزاری کنسرت در تهران

«ضبط رسمی مراسم از سوی پلیس»، از جمله شروط جعفری‌دولت‌آبادی است



سعید فرح‌پوری



سعید فرح‌پوری

این مسائل را برای موسیقی ملی و اسلامی که ما اهالش داریم برایش زحمت می‌کشیم، پیچیده کنند و با این بگومگوها مانع از پیشرفت آن بشوند. درحالی‌که امروز در کشورهای همسایه مانند ترکیه و دوبی به طور پیگیر برای موسیقی ملی‌شان دولت‌ها زحمت بسیار می‌کشند و حامی اهل موسیقی‌شان هستند.

به نظر مختاباد تاکنون در نزدیک به ۴۰ سالی که از انقلاب می‌گذرد حتی یک بار هم کنسرت موسیقی قاجعه‌بار و برهم‌زننده نظم عمومی نبوده است؛ ازطرف‌دیگر امکان دارد در برگزاری راهپیمایی‌ها جمعی با لباس‌های ناجور حضور پیدا کنند مگر در این حالت، پاسخ‌گوی این ناجوربودن لباس‌ها برگزارکنندگان هستند بنابراین در کنسرت هم لباس پوشیدن اشخاص هم بنا بر میل‌شان صورت می‌گیرد و نه برگزارکنندگان کنسرت موسیقی. درکل اهل موسیقی هم بنا بر خواست وزارت ارشاد کار کرده‌اند درحالی‌که عده‌ای با موسیقی در کل مخالف‌اند که ما که پیگیران احترام می‌گذاریم و درواقع جمعی نیز با آن موافق هستند که اینها هم طبق قوانین رسمی کشور دارند موسیقی کار می‌کنند و اینها بنا بر ضرورت باید انجام بشود.

وی در پایان تأکید کرد تاکنون اهالی موسیقی بنا بر مجوز و نظارت ارشاد کار کرده‌اند و مشکلی هم نبوده است؛ اینکه پلیس هم بخواهد نظارت بکند نیاز به داشتن کارشناس موسیقی است که در کنار ارشاد این کنسرت‌ها را ضبط کند و بخواهد اظهارنظر کند چون موسیقی تخصص است و در این رابطه ارشاد کارشناسانی دارد و در همه مراحل برگزاری کنسرت‌ها نظرات لازم را انجام می‌دهد. باید قوه قضائیه و دولت موسیقی را جدی بگیرند و نگذارند همه‌چیز پیچیده شود. در ضمن وزیر ارشاد، جناب جنتی، باید بتواند شجاعانه‌تر رفتار کند و

تواناد پاسخ‌گوی باشد. به نظر این سیاسی‌کردن وضعیت موسیقی چندان به نفع موسیقی ملی ما نیست و اگر جلوی آن گرفته نشود، نمی‌توان به آینده این موسیقی امیدوار بود. اگر تاکنون انرژی زیادی صرف مبارزه با کالاهای قاچاق می‌کردند و جلوی آن را می‌گرفتند؛ اما اکنون به‌گونه‌ای با موسیقی برخورد می‌کنند که گویی

اهل موسیقی به قاجاق کالا می‌پردازند.

کلافی که سررد کم می‌شود

سعید فرح‌پوری که به گفته خودش در دهه ۶۰ کنسرت برگزار کرده و در آن زمان امام فقید نیز حضور داشتند؛ می‌گوید هیچ مشکلی برای برگزاری کنسرت نبوده است؛ اما نمی‌داند این روزها چرا باید با کنسرت موسیقی، افرادی که هیچ‌کدام نیز بالاتر از امام(ره) نیستند، مخالفت کنند. به باور فرح‌پوری، این نوع برخورد‌ها نتیجه کشمکش‌ها و دعواهای دو جناح سیاسی است، درحالی‌که پیش از دولت روحانی نیز در دوره احمدی‌نژاد کنسرت برگزار می‌شد و این‌همه آن را مانند کلاف سردرگمی نمی‌پیچاندند. او برخورد این‌چنینی با موسیقی و اهل موسیقی و تعیین شروطشروط را موجب سردرگمی اهالی موسیقی می‌داند. فرح‌پوری خواهان روشن‌شدن وضعیت موسیقی و پرهیز از کارهای سلیقه‌ای است: «کنسرت‌ها باید مانند گذشته به‌دور از سیاست‌زدگی برپا شود. وزارت ارشاد، تنها نهاد برگزارکننده کنسرت موسیقی است که باید اختیارات به این نهاد واگذار شود؛ در غیر این صورت این راه و روش‌های غیرضروری به زبان موسیقی و اهلس خواهد بود».

درخشانی: فرقی نمی‌کند

مجید درخشانی، نوازنده‌ای که دو سال است ممنوع‌الکار شده، در واکنش به این سه پیشنهاد می‌گوید: برای من که دیگر فرقی نمی‌کند چه شرط‌هایی را بخواهند بگذارند؛ چون دو سال است هرچه کنسرت داشته‌ایم، لغو شده است و فقط یک‌بار دعوت شدیم که در جشنواره موسیقی فجر اجرا کنیم که انکار برای جشنواره با ما مشکلی نداشتند. دیگر برگزاری کنسرت را رها کرده‌ایم و چندان هم برایمان در این وضعیت این شرط‌ها فرقی نخواهد کرد....

شهدا تناقض دارد. عدم موفقیت‌های دیگر مربوط به خود عزیزان است به‌ویژه در حوزه فرهنگی». این‌موضع‌گیری‌ها اما اهالی موسیقی را به اندازه اظهارنظر وزیر ارشاد دلخسور و ناراحت نکرد. مرتضوی با اشاره به این موضوع ادامه می‌دهد: «۱۰روز پیش وزیر ارشاد که وظیفه قانونی و حقوقی‌اش پیگیری موضوعات این‌چنین است، در مصاحبه‌ای گفته که شهر مشهد را از باقی کشور جدا می‌داند و این شهر در برگزارنشدن کنسرت استناست. این موضع‌گیری، هنرمندان موسیقی خراسان را اذیت کرده است. مسئله‌ای که می‌شد در خود استان مدیریت شود، در سطح ملی و کشوری مطرح شده است. البته ما واکنش حسن روحانی به اظهارات وزیر ارشاد را خوب ولی ناکافی می‌دانیم. می‌خواهیم رئیس‌جمهور این موضوع را تا رسیدن به نتیجه مثبت نهایی پیگیری کند». مرتضوی البته به جلسات متعدد خود با مخالفان برایی کنسرت در خراسان اشاره می‌کند؛ بااین‌حال معتقد است برخی مسئولان با اینکه با موسیقی مشکلی ندارند، ولی به‌خاطر مصلحت‌اندیشی یا پیش نمی‌گذارند تا مسئله برای همیشه حل شود. به گفته این نوازنده، در ۱۲سالی‌که از ممنوعیت موسیقی در مشهد می‌گذرد، آمار دعوها و روزگوری‌ها و خسوت‌ها نه‌تنها کمتر نشده که بیشتر شده است. او موسیقی فاخر را نه عامل ابتذال که راهی مطمئن بر افزایش معنویت و روحانیت می‌داند.

شهدا تناقض دارد. عدم موفقیت‌های دیگر مربوط به خود عزیزان است به‌ویژه در حوزه فرهنگی». این‌موضع‌گیری‌ها اما اهالی موسیقی را به اندازه اظهارنظر وزیر ارشاد دلخسور و ناراحت نکرد. مرتضوی با اشاره به این موضوع ادامه می‌دهد: «۱۰روز پیش وزیر ارشاد که وظیفه قانونی و حقوقی‌اش پیگیری موضوعات این‌چنین است، در مصاحبه‌ای گفته که شهر مشهد را از باقی کشور جدا می‌داند و این شهر در برگزارنشدن کنسرت استناست. این موضع‌گیری، هنرمندان موسیقی خراسان را اذیت کرده است. مسئله‌ای که می‌شد در خود استان مدیریت شود، در سطح ملی و کشوری مطرح شده است. البته ما واکنش حسن روحانی به اظهارات وزیر ارشاد را خوب ولی ناکافی می‌دانیم. می‌خواهیم رئیس‌جمهور این موضوع را تا رسیدن به نتیجه مثبت نهایی پیگیری کند». مرتضوی البته به جلسات متعدد خود با مخالفان برایی کنسرت در خراسان اشاره می‌کند؛ بااین‌حال معتقد است برخی مسئولان با اینکه با موسیقی مشکلی ندارند، ولی به‌خاطر مصلحت‌اندیشی یا پیش نمی‌گذارند تا مسئله برای همیشه حل شود. به گفته این نوازنده، در ۱۲سالی‌که از ممنوعیت موسیقی در مشهد می‌گذرد، آمار دعوها و روزگوری‌ها و خسوت‌ها نه‌تنها کمتر نشده که بیشتر شده است. او موسیقی فاخر را نه عامل ابتذال که راهی مطمئن بر افزایش معنویت و روحانیت می‌داند.

فروش ۳۰میلیاردی در نخستین حراج ملی فرش

۳۵۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۳۵۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «مشاهیر»، با قدمت ۷۰،۶۰ سال، اثر هنرمندان راور کرمان، با قیمت پایه ۲۵۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۲۵۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «شکار بهرام گور»، با قدمت ۱۴۰، ۱۵۰ سال، اثر هنرمندان کاشان، با قیمت پایه ۸۵۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت یک‌میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «دبیهی»، نوبافت اثر هنرمندان قم، با قیمت پایه ۶۰۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۶۰۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «نگارستان»، نوبافت، اثر هنرمندان قم، باقیمت پایه ۵۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۱۰۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «ابریشم درختی»، با قدمت ۱۰۰، ۹۰ سال، اثر هنرمندان کاشان، با قیمت پایه ۱۹۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۱۹۰ میلیون تومان خریداری شد.
● فرش «هرکه»، با قدمت ۸۰، ۷۰ سال، اثر هنرمندان هرکه، با قیمت پایه ۸۰ میلیون تومان به حراج گذاشته شد. این فرش با قیمت ۸۰ میلیون تومان خریداری شد و ...

زیر آسمان فیروزهای

داوود رشیدی در ۸۳سالگی درگذشت

خانه بی تو خاکستریست

● **عسل عباسیان:** «کجا رقتی؟» سیمین بهبهانی با صدای همایون شجریان، لایه‌لای صحنه‌ها و شبیون‌ها می‌پیچد و خانه‌ای که صاحبانش همواره میزبان صلح و شادی بوده‌اند، حالا از سوگ سیاه است؛ داوود رشیدی که تا آخرین دقایق عمر با عزت ۸۳ساله‌اش لبخند زده، صبح آدینه جهان را بدرود گفته و حالا همه خوششان و دوستدارانش در خانه او جمعند. احترام برومند ناباورانه رفیق و همراه ۴۸ساله‌اش را بدرقه می‌کند، لیلا حاتمی، رفیق سالیانش - لیلی رشیدی- را در میان اشک و آندوه در آغوش گرفته و یکی‌یکی بر شمار سوگواران افزوده می‌شود. اهالی تئاتر و سینما بهت‌زده و اشک‌بار، به سوگ یکی از بزرگ‌مردانی نشسته‌اند که نامش

مترادف با حرمت و شکوه هنر است. محمدعلی کشاورز، سیروس ابراهیم‌زاده، فاطمه معتمدآریا، آتیلا پسیانی، علی دهکردی، ایرج راد، ناهید کبیری، شهبلا حائری، سحر دولتشاهی، الهام پناه‌نژاد، آزاده پورمختار، رضا بانکی، احمد مسجدجامعی، رضا پاک، فرشته طائرپور، منوچهر شاهسوار، پانته‌آ پناهی‌ها، حبیب رضایی، الهام‌کُردا، مصطفی احمدی، اتوسا قلمقرسایي، محمدحسن معجونسی، رضا حداد، صابر ابر، فرهاد توچیدی، کاوه سمن‌دیان، ستاره پسیانی، لیلا ارجمند، فلامک جنیدی، فریال بهزاد، امیرحسین صدیق، علیرضا تابش، خسرو احمدی و... همه دور هم جمع شده‌اند و در کنار خانواده رشیدی و برومند، عزاداری می‌کنند. همایون می‌خواند: «به سر سودای آغوش تو دارم» و احترام برومند با سودای آغوش رفیقی که نیم‌قرن در کنارش به صلح و شفق زیست، روی تختخواب او که حالا دسته‌ای گل سید سراسرش را پوشانده شبیون می‌کند. مرضیه و احترام برومند، بهرام شاه‌محمدلو، عادل جزوده و دیگر اعضای قاملی که به سوگ بزرگ‌خاندانشان نشسته‌اند، اشک می‌ریزند و خانه‌ای که همواره سپید و سبز بود، در غیاب صاحبش انکار خاکستری و سیاه است. فرهاد رشیدی از کیلومترها فاصله، راهی ایران شده تا برای آخرین‌بار با پدرش وداع کند. لیلی رشیدی که شب پیش‌تر جایزه انجمن منتقدان و نویسندگان تئاتر را برای کارگردانی «اسم» گرفته، می‌گوید وقتی با جایزه پیش پدر آمده، برق شادی را در چشم او دیده است. لیلی لایه‌لای اشک‌هایش از بی‌معنی‌شدن زندگی پس از این داغ می‌گوید، اما تصویر خندان پدرش در یک تاتر که بر دیوار خانه آویخته شده، خبر از امتداد زندگی روی صحنه تاتر، با اشک‌ها و لبخندا و غصه‌ها و شادی‌هایش می‌دهد.

تشیع پیکر داوود رشیدی از مقابل تالاروحدت

مراسم تشیع پیکر داوود رشیدی یکشنبه هفتم شهریور از مقابل تالار وحدت برگزار خواهد شد. لیلی رشیدی، بازیگر سینما و تلویزیون، زمان تشیع پیکر داوود رشیدی را هفتم شهریور اعلام کرد و گفت: مراسم ختم پدرم نیز عصر همان روز در مسجدجامع شهرک غرب برگزار خواهد شد.

تماشاخانه

نمایش نامه «فتحنامه کلات» به انگلیسی ترجمه شد

● **سایت روشنگران:** انتشارات روشنگران و مطالعات زنان به‌تازگی ترجمه انگلیسی نمایش‌نامه «فتحنامه کلات» را منتشر کرده است. منوچهر انور که پیش‌تر یکی از آثار بهرام بیضایی با عنوان «مرگ بزرگ‌برده» را به زبان انگلیسی ترجمه کرده بود، این‌بار نمایش‌نامه «فتحنامه کلات» بیضایی را ترجمه کرده است. ترجمه انگلیسی نمایش‌نامه «فتحنامه کلات» با قیمت ۳۰ هزار تومان از سوی انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر شده است. برای خرید نمایش‌نامه «فتحنامه کلات» از طریق سایت روشنگران، می‌توانید به لینک زیر مراجعه کنید: roshangaran-pub.ir/bookshow/B451704444

اولین نمایشگاه آثار نقاشی سعید نوروزی

● **شرق:** اولین نمایشگاه نقاشی‌های سعید نوروزی برگزار می‌شود. این نمایشگاه که از پنجم شهریورماه، با عنوان «بیگانه» در گالری «افرنده» برگزار خواهد شد، اولین نمایشگاه انفرادی این هنرمند است. سعید نوروزی در توضیح کوتاهی در رابطه با آثارش گفت: «می‌کوشم انسان‌های نابلوبایم در موزن خود را بیابم. لحظه‌ای حضورشان احساس شود و لحظه‌ای میان رنگ‌ها و بافت‌ها پنهان شوند. درست مانند انسان واقعی، در واقعیت زندگی امروز جهان».سعید نوروزی که کارشناسی رشته نقاشی دارد، بیشتر به‌عنوان کارتون‌نویست در مطبوعات سال‌های دور شناخته شده بود، اما این نمایشگاه وجه دیگری از زندگی هنری او را به نمایش می‌گذارد. نمایشگاه انفرادی نقاشی‌های سعید نوروزی از ۱۲ شهریور ادامه دارد. گالری افرنده در یوسف‌آباد، خیابان جهان‌آرا، خیابان ۱۹ (جلال حسینی)، پلاک ۴۸ واقع شده است.

این گالری شب‌ها تعطیل است.